

#### سبک ارتباط



بیم‌ها و امیدهای استفاده از تلفن همراه و فضای مجازی

# مزاحم‌هایخ گوش گوش‌های همراهِ کمین کرده‌اند

#### ■ مریضه بامبری

مامان بیا ببین بدبین دختر شمسی خانوم چه تیبیی به هم زده همسایه خونه قدیمی مونو یادت هست؟ شوهرش بیکار بود دستفروشی می کرد؟ دیروز توی اینستا دیدمش چه زندگی‌ای به هم زده؟ زهرا جون محبوبه شمارو شام پاکشای دخترش دعوت کرد؟

– منگه گرفته همونی؟

–اره بابا کجای کاری، خودم توی اینستا استوری شو دیدم.

– لابد عکس گذاشته چشم فامیلاشو دربیاره.

این گفت‌وگوی‌های زنانه برایتان آشنا نیست؟ اینها تنها بخشی از ادبیات مخاطبان فضای مجازی است. البته این فضا مخاطبان جدی خود را دارد

#### ■ کاسبی با ولگردی در اینترنت؟

– سعید سلامتی / ۱۶ساله دانش آموز

خام‌پدر و مادر کسی که اینترنت را آن هم، با این سرعت اختراع کرد، پیامرزد. اگر کسی کار با آن را بلد و جنبه‌اش را به حد کافی داشته باشد، می‌تواند از این موهبت نهایت استفاده را کرده و حتی امرار معاش کند. من خیلی‌ها را می‌شناسم که بدون هیچ سرمایه‌ای و فقط صرف آشنایی بافضای مجازی توانسته‌اند کسب و کار خانگی راه‌بیندازند. خواهر من خیلی دلش می‌خواست در مخارج خانه کمک حال همسرش باشد، ولی دست روی هر کاری می‌گذاشت نیاز به سرمایه نداشت. به پیشنهاد دوستانش یک پنج فروش روسری زد. اول سفارش ثبت می‌کرد و سپس از یک شرکت معتبر روسری‌ها را می‌خرید و او را سال می‌کرد. کم‌کم توانست از فروش اینترنتی به اجاره یک مغازه در شهر ارتقا یابد. من هم وقتی موفقیت او را دیدم سعی کردم در کنار درس فکر کنم درآمد باشم. بازاربایی اینترنتی را یاد گرفتم و حالا در خانه با کلیک چند دکمه در سود فروش چند شرکت معتبر سهیم هستم. البته منکر بدی‌های اینترنت نیستم. خیلی از دوستانم در نقطه مقابلم هستند. مدام سرشان در گوشی است و تقریباً هیچ هدفی ندارند. دید و باز دیدهای بی‌دردسر و کم‌هزینه‌از هر بیج و ساینی باعث شده هم‌سن و سالانم وارد فزایی شوند که هرگز به صلاحشان نیست. اگر اوایل سلطنت‌خانه با کلاس و متک و شوخی بود، حالا در فضای مجازی با قدرت بیشتر می‌تازند. در واقع اینترنت بیکارهای قدیمی سر کوجهارها جمع کرده و یکجا سفره اینترنت نشاندۀ است.

#### ■ در فضای مجازی هم از دست مزاحم‌ها در امان نیستیم

– صبا ایزدی / ۲۰ساله

من یک دختر شهرستانی هستم. در تمام این سال‌ها انگ شهرت‌های بون ضربات زیادی به ما وارد کرده‌است و ما به اجبار از بسیاری از فرصت‌ها و آرزوهایمان دور مانده‌ایم. وقتی فلان دوره را می‌خواستیم شرکت کنیم یا مدرک فلان حرفه را می‌گرفتم، باید به شهرهای بزرگ می‌رفتم

### نگاه

#### ■ ایوب خرمی

با فشار دادن کلیدهای رایانه هر عملیاتی را روی برنامه دلخواهم انجام می‌دهم؛ کلمات و اعدادی را حذف می‌کنم و دوباره بر اثر آشنباه یا پشیمان شدن عملیات برگشت را می‌زنم. نمادها و کلمات را از جایی به جایی دیگر انتقال می‌دهم و فایل‌ها را بدون اجازه از کسی به فایل دیگر و به سیستم دیگری ارسال می‌کنم و هر کار نرم‌افزاری دیگری را که در ذهنم می‌آید روی رایانه اعمال می‌کنم. این وسیله مثل یک موجود حرف شنوی دارد؛ بدون هیچ‌گونه دلدخوری، تق‌زند، موضع گرفتن و منت گذاشتن کارش را انجام می‌دهد. حالا شما فکر کنید سخت‌افزار یا همان روانی که کار من و شما را در طول شبانه‌روز و در هر زمان و مکانی روی زمین نمی‌گذارد، بسیاری به یک نفر که موجود زنده‌ای که عقل و شعور و فکر و احساس و انگیزه هم دارد. آیا همان انعطاف‌پذیری سیستم رایانه را دارد.

یک انسان از انجام و شنیدن یک عمل و رفتار بلافاصله احساس ونگرش به میدان می‌آید وعواقب آن خوشحالی و ناراحتی و افسردگی یا شور و شغف در وجودش تولید می‌شود و اینکه این وضعیت‌های روحی و روانی در کجا ذخیره یا اینکه در درازمدت و کوتاه‌مدت حذف می‌شوند با توجه به اینکه سیستم سخت‌افزاری و نرم‌افزاری کامپیوتر



که هدفشان کسب و کار، آموزش و خبررسانی است، ولی حجم بسیار زیادی از کاربران اینترنتی از این دنیای گسترده برای اهداف شخصی بهره می‌برند. بدون اینکه فعالیت خاصی داشته باشند؛ یک صفحه ایجاد می‌کنند تا از دنیای پیرامونشان آگاه شوند، ولی همیشه یافته‌ها مناسب نیستند.

گاهی موجب ترس، ناامنی و حتی گاهی دچار شایعه‌سازی‌ها می‌شوند. سرعت پیشرفت تکنولوژی در ایران بسیار بالاست و اگر زمانی مانیتورهای دزدلی خانگی باید با کارت شارژ به اینترنت وصل می‌شد و در اختیار عده خاصی از مردم بود، ولی حالا با سرعت بالا در اختیار عموم است. دیگر مهم نیست در صفحاتت چه محتوایی قرار می‌دهی

با کلاً قیدش را می‌زدیم. من دوست داشتم یک اسپزخانه

مدرن تأسیس کنم. از وقتی دوره‌های آموزشی آنلاین برگزار شد موقعیت‌های یکسان برای یادگیری ایجاد شد و من توانستم بدون دغدغه در کلاس‌های مورد علاقه‌ام شرکت کنم. حالا راحت می‌شود آموزش بازیگری مجازی دید. می‌شود دوره‌های داستان‌نویسی ویراستاری یا هر کار سخت دیگری را آنلاین دنبال کرد. این بهترین اتفاق فضای مجازی است.

غیر از آن می‌توانیم با همه دنیا در ارتباط باشیم. مجموعه‌ای از مخاطبان در صفحه‌مان هستند که هر وقت به مشکل برخوردیم، می‌توانیم از توانایی‌هایشان کمک بگیریم. بارها توانستم مشاوره تحصیلی یا حتی قضایی بگیرم. دختر خاله‌ام توانست از طریق اینترنت با یک وکیل بنام آشنا شود و بدون پرداخت حق‌الوکاله و فقط از طریق راهنمایی‌های حقوقی‌اش بعد از چند سال به حق خود برسد. اینها همه خوبی‌های اینترنت است. ولی بدی هم کم ندارد. مثلاً به طرز وحشتناکی آدم را درگیر می‌کند و وقتی به خودت می‌آیی که حسایی معنادش شده‌ای، مدام گوشی در دست است و با یک تیک عصبی قفل گوشی را بساز می‌کنی و تمام صفحات را چک می‌کنی. اینکه برای اسلفی گرفتن‌ها یا گزارش تصویری مجبور هستی شیک‌ترین جای خانه را پیدا کنی عذاب‌آور است. همیشه باید و نمود کنید خانه با کلاس و شیک دارد. حتی برای فرستادن تصاویر تکالیف مجازی باید میزی شیک و آراسته داشت. شاید این حرف‌ها برای بزرگ‌ترها خنده‌دار باشد، ولی برای ما دخترها خیلی مهم است. اینکه بعضی‌ها برای لایو گرفتن یا حتی یک عکس معمولی ساعت‌ها پای میز آرایش می‌نشینند و به جای درس خواندن سرشان به ظاهرشان گرم است، اتفاق جالبی نیست. با وجود اینترنت احساس می‌کنم مدام تحت‌نظر هستم. دیگر زندگی شخصی خودم را ندارم.

تکته دیگر فضای مجازی، وجود مزاحمت‌ها در صفحه خصوصی است. ما حتی در فضای مجازی هم از دست مزاحم‌ها و بیماران روانی در امان نیستیم و کسی قادر احساس می‌کنم عدم تحت‌نظر هستم. در تمام این سال‌ها انگ شهرت‌های بون ضربات زیادی به ما وارد کرده‌است و ما به اجبار از بسیاری از فرصت‌ها و آرزوهایمان دور مانده‌ایم. وقتی فلان دوره را می‌خواستیم شرکت کنیم یا مدرک فلان حرفه را می‌گرفتم، باید به شهرهای بزرگ می‌رفتم

### هر ابررایانه‌ای در برابر انسان کم می‌آورد

## مقهور دست ساخته‌های خود نشویم



روشن کنیم.

در اینجااست که خلقت خداوند در آفرینش انسان (ابر رایانه احساس) ما را به شگفتی وامی‌دارد و در واقع ما با یک ابرقدرت کامپیوتری مواجه هستیم که باید براساس مهندسی نرم‌افزاری و حتی سخت‌افزاری در مقیاس جسمی و روحی- روانی عملیات موردنظر خود را انجام و

# سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۹۸۴۷۱

## د

هر اتفاقی اگر به موقع و به اندازه رخ دهد، می‌تواند مفید و تأثیرگذار باشد، ولی وقتی به بهانه تحصیل مجازی در شاد یا از سر باز کردن بچه‌ها توسط والدین، زودتر از موعد سراغ گوشی و اینترنت می‌روند، باید منتظر عواقب برخی دوستی‌های زود هنگام بود،

با دانشت چه اندازه باشد، زیرا فضای در اختیار است به نام فضای مجازی که می‌توانی به جای خود اوقات بگناب بر چهره بزنی با مشخصات آدمی که دلت می‌خواسته باشی و نیستی. حالا در کوچه و خیابان دست هر کوچک و بزرگی یک تلفن همراه است با یک اینترنت همراه که حتی زیر زمین هم در دسترس است. حال با وجود تمام خوب و بدهای دنیای دیجیتال و مدرنیزه، این مردم هستند که تعیین می‌کنند تا چه حد از این تکنولوژی تأثیر گرفتارند و میزان رضایتشان تا چه اندازه است. برای رسیدن به این مهم پای صحبت عده‌ای نشستیم و سعی کردیم بدون دخالت نظرات شخصی این دغدغه‌ها را برایتان بنویسیم.

در عوض با پیشرفت هر روزه تکنولوژی مجبور نیستیم برای هر کار اداری کوچکی ساعت‌ها بیرون از خانه بمانیم. اینترنت کمک بزرگی به ساعخورده‌ها می‌کند. مجبور نیستند ساعت‌ها در صف بانک بایستند تا یک جوانمرد پیدا شود نوشتن رایه او بدهد. یا مجبور نیست دنبال بیمه بازنشستگی‌اش ماها دوندگی کند. همین که مقدار کمی پول اینترنت آگاه باشد یا نوه و فرزندش باشد که از پس این کار بربیاید، کافی است تا بسیاری از مشکلات اداری و حقوقی ما بدون مراجعات حضوری انجام شود. اینکه من در لحظه و در هر کجا که باشم می‌توانم تیکه‌گاه خانواده‌ام باشم و اگر کمک مالی نیاز داشته‌ند به سرعت یاد آن را با اینترنت مرفوع کنم. اینترنت سرگرم کننده است. دوری از فضای کار و ماندن در خانه به واسطه بازنشستگی یا چرخیدن در فضای مجازی جبران می‌شود و آدم‌ها کمتر دچار افسردگی می‌شوند. آنها بدون اینکه سر کار بروند، می‌توانند از دنیای پیرامونشان مطلع شوند. می‌توانند تمام مایحتاج خود را با یک کلیک ساده سفارش دهند. می‌توانند کتاب بخوانند و ساعت‌ها موسیقی گوش کنند و فیلم ببینند. اینها مزیت‌های اینترنت است، اما هر چند خوبی یک بدی هم دارد. برای ما بزرگ‌ترها اینترنت فضای مجازی یک هووی بزرگ است تا بچه‌ایمان را کمتر ببینیم. گاهی دلنشگی آزارمان می‌دهد، ولی آنها به بهانه مشغله‌های کاری به تماس‌های تصویری بسنده می‌کنند. ما گاهی هفته‌ها برای دیدن نوه‌هایمان چشم‌نظار می‌کشیم. باز خدا پدر اینستاگرام را پیامرزد

قدیمی‌ها می‌گفتند شنیدن کی بود مانند دیدن؟ ولی حالا این ضرب‌المثل را باید بر عکس بگویند، زیرا همه چیز در فضای مجازی قابل رؤیت است و چیزی که ما شدیداً به آن نیاز داریم هنر شنیدن و شنیده شدن است.

توزیع ثروت از الگوی شناخته‌شده‌ای پیروی می‌کند که گاهی آن را قانون ۸۰- ۲۰ می‌گویند؛ یعنی ۲۰ درصد آدم‌ها صاحب ۸۰ درصد ثروت موجود هستند. برای نمونه سال پیش در گزارشی آمده بود، فقط ثروت هشت نفر معادل ثروت ۲۸۸ میلیاردنفر از فقیرترین انسان‌های جهان است.

به‌نظر می‌رسد این وضعیت در همه جوامع، با هر ابعادی وجود داشته باشد این الگو که به آن «توزیع توانی» هم گفته می‌شود، الگویی است که به تفصیل بررسی شده و در طیف گسترده‌ای از پدیده‌های اجتماعی می‌توان ردش را پیدا کرد. با این حال، پدیده توزیع ثروت یکی از مناقشه‌برانگیزترین این پدیده‌هاست؛ چراکه پای مسائلی مثل عدالت و شایستگی رایه‌میان می‌کند. چراغ‌اندکی باید به‌طور تصادفی رخ می‌دهد.

پلوچینو و همکاران این مدل شبیه‌سازی شده را بارها و بارها تکرار می‌کنند تا صحت نتایج مطمئن شوند.

دست آخر، وقتی تیم تحقیق افراد را براساس ثروت رتبه‌بندی می‌کند، توزیع ثروت دقیقاً مشابه پلوچینو است که در جوامع واقعی دیده می‌شود. چیزی است که همکاران می‌گویند: «قانون ۸۰- ۲۰ قانونی معتبر است؛ چرا که ۸۰ درصد جمعیت مالک تنها ۲۰ درصد ثروت کل هستند، و در سمت دیگر، ۲۰ درصد بقیه مالک ۸۰ درصد همان ثروت هستند»

به‌نظر ناعادلانه یا عجیب نخواهد بود اگر ۲۰ درصد ثروتمند همان‌هایی باشند که بیشترین استعداد برای موفقیت دارند، اما چنین نیست. ثروتمندترین افراد معمولاً استعدادترین‌ها یا حتی نزدیک به آنها هم نیستند. محققان ما می‌گویند: «بیشترین حد از موفقیت هیچ‌گاه با بیشترین حد از استعداد مطابقت ندارد و همین‌طور برعکس»

پس اگر استعداد نیست، چه عاملی این توزیع ثروت نابرابر را رقم زده‌است؟ پلوچینو و همکارانش می‌گویند: «مدل شبیه‌سازی شده ما به وضوح نشان داد که این عامل فقط و فقط شانس محض است.» تیم پژوهش نتایج را براساس تعداد شانس‌ها و دیدباری‌هایی رتبه‌بندی می‌کند که افراد در این بازه ۴۰ساله با آن مواجه می‌شوند. آنها می‌گویند: «حالا به‌طور مستند می‌توان گفت که موفق‌ترین افراد، خوش‌شانس‌ترین افراد هم هستند، همچنین، ناموفق‌ترین افراد را می‌توان دیدبارترین افراد به حساب آورد.»

این نتیجه آموزه‌های بااهمیتی را در اختیار جامعه قرار می‌دهد. پس اینطور شد که شانس در موفقیت نقشی دارد. حال باید بر سپید مؤثرترین استراتژی برای بهره‌برداری از آن چیست؟

تیم پژوهش سه مدل را بررسی کردند. در اولی سرمایه تحقیق یکسان میان دانشمندان توزیع شده بود. در دومی سرمایه تصادفی میان مجموعه‌ای از دانشمندان توزیع شده بود و در سومی توزیع به ترتیب میزان موفقیتی بود که دانشمندان در گذشته داشتند. کلامیک بهترین استراتژی به نظر می‌رسد؟ نتیجه چنین بود: استراتژی‌ای که سرمایه را مساوی میان محققان تقسیم می‌کند، بیشترین عایدی را همراه داشت و دومین و سومین استراتژی برتر که پس از آن قرار داشتند، ثروت را به‌طور تصادفی میان ۱۰۰ تا ۲۰۰ دانشمندان توزیع می‌کردند. در این مدل محققان می‌توانستند به خوبی از کشفیات شانس‌ی که گام‌به‌گام به‌دست می‌آمد، استفاده کنند. این موضوع آشکار می‌کند که اگر دانشمندی در گذشته کشف شانس مهمی انجام داده‌است، لزوماً نمی‌تواند در آینده باز هم کشفی از این دست داشته باشد.

همچنین می‌توان رویکرد مشابهی را برای سرمایه‌گذاری در انواعی دیگر از واحدها، اعم از کسب‌وکارهای کوچک و بزرگ، استارت‌آپ‌های فناوری و آموزش به کار گرفت. با این رویکرد قادر خواهیم بود تا استعداد و حتی تعداد وقایع شانس تصادفی را افزایش دهیم.
**منبع: ترجمان / ترجمه: مهدی صادقی تلخیص: سیمین جیت MITTechnology Review**
**مرجع:** مدل پلوچینو و همکارانش ساده است. این مدل توزیع ثروت از الگوی شناخته‌شده‌ای پیروی می‌کند که گاهی آن را قانون ۸۰- ۲۰ می‌گویند؛ یعنی ۲۰ درصد آدم‌ها صاحب ۸۰ درصد ثروت موجود هستند. برای نمونه سال پیش در گزارشی آمده بود، فقط ثروت هشت نفر معادل ثروت ۲۸۸ میلیاردنفر از فقیرترین انسان‌های جهان است. به‌نظر می‌رسد این وضعیت در همه جوامع، با هر ابعادی وجود داشته باشد این الگو که به آن «توزیع توانی» هم گفته می‌شود، الگویی است که به تفصیل بررسی شده و در طیف گسترده‌ای از پدیده‌های اجتماعی می‌توان ردش را پیدا کرد. با این حال، پدیده توزیع ثروت یکی از مناقشه‌برانگیزترین این پدیده‌هاست؛ چراکه پای مسائلی مثل عدالت و شایستگی رایه‌میان می‌کند. چراغ‌اندکی باید به‌طور تصادفی رخ می‌دهد. پلوچینو و همکاران این مدل شبیه‌سازی شده را بارها و بارها تکرار می‌کنند تا صحت نتایج مطمئن شوند. دست آخر، وقتی تیم تحقیق افراد را براساس ثروت رتبه‌بندی می‌کند، توزیع ثروت دقیقاً مشابه پلوچینو است که در جوامع واقعی دیده می‌شود. چیزی است که همکاران می‌گویند: «قانون ۸۰- ۲۰ قانونی معتبر است؛ چرا که ۸۰ درصد جمعیت مالک تنها ۲۰ درصد ثروت کل هستند، و در سمت دیگر، ۲۰ درصد بقیه مالک ۸۰ درصد همان ثروت هستند» به‌نظر ناعادلانه یا عجیب نخواهد بود اگر ۲۰ درصد ثروتمند همان‌هایی باشند که بیشترین استعداد برای موفقیت دارند، اما چنین نیست. ثروتمندترین افراد معمولاً استعدادترین‌ها یا حتی نزدیک به آنها هم نیستند. محققان ما می‌گویند: «بیشترین حد از موفقیت هیچ‌گاه با بیشترین حد از استعداد مطابقت ندارد و همین‌طور برعکس» پس اگر استعداد نیست، چه عاملی این توزیع ثروت نابرابر را رقم زده‌است؟ پلوچینو و همکارانش می‌گویند: «مدل شبیه‌سازی شده ما به وضوح نشان داد که این عامل فقط و فقط شانس محض است.» تیم پژوهش نتایج را براساس تعداد شانس‌ها و دیدباری‌هایی رتبه‌بندی می‌کند که افراد در این بازه ۴۰ساله با آن مواجه می‌شوند. آنها می‌گویند: «حالا به‌طور مستند می‌توان گفت که موفق‌ترین افراد، خوش‌شانس‌ترین افراد هم هستند، همچنین، ناموفق‌ترین افراد را می‌توان دیدبارترین افراد به حساب آورد.» این نتیجه آموزه‌های بااهمیتی را در اختیار جامعه قرار می‌دهد. پس اینطور شد که شانس در موفقیت نقشی دارد. حال باید بر سپید مؤثرترین استراتژی برای بهره‌برداری از آن چیست؟ تیم پژوهش سه مدل را بررسی کردند. در اولی سرمایه تحقیق یکسان میان دانشمندان توزیع شده بود. در دومی سرمایه تصادفی میان مجموعه‌ای از دانشمندان توزیع شده بود و در سومی توزیع به ترتیب میزان موفقیتی بود که دانشمندان در گذشته داشتند. کلامیک بهترین استراتژی به نظر می‌رسد؟ نتیجه چنین بود: استراتژی‌ای که سرمایه را مساوی میان محققان تقسیم می‌کند، بیشترین عایدی را همراه داشت و دومین و سومین استراتژی برتر که پس از آن قرار داشتند، ثروت را به‌طور تصادفی میان ۱۰۰ تا ۲۰۰ دانشمندان توزیع می‌کردند. در این مدل محققان می‌توانستند به خوبی از کشفیات شانس‌ی که گام‌به‌گام به‌دست می‌آمد، استفاده کنند. این موضوع آشکار می‌کند که اگر دانشمندی در گذشته کشف شانس مهمی انجام داده‌است، لزوماً نمی‌تواند در آینده باز هم کشفی از این دست داشته باشد. همچنین می‌توان رویکرد مشابهی را برای سرمایه‌گذاری در انواعی دیگر از واحدها، اعم از کسب‌وکارهای کوچک و بزرگ، استارت‌آپ‌های فناوری و آموزش به کار گرفت. با این رویکرد قادر خواهیم بود تا استعداد و حتی تعداد وقایع شانس تصادفی را افزایش دهیم.

|| پنج‌شنبه ۲۴ مهر ۱۳۹۹ | ۲۷ صفر ۱۴۴۲ |

#### سبک نگرش



آیا قانون ۸۰- ۲۰ در توزیع ثروت عادلانه است؟

## پولدارهایی که نه باهوش بلکه خوش شانس هستند!

کمابیش در اغلب جوامع، توزیع ثروت از الگوی شناخته‌شده‌ای پیروی می‌کند که به آن «قانون ۸۰- ۲۰» می‌گویند؛ یعنی ۲۰ درصد افراد صاحب ۸۰ درصد ثروت هستند. به‌نظر ناعادلانه یا عجیب نخواهد بود اگر ۲۰ درصد ثروتمند همان‌هایی باشند که بیشترین استعداد را هم دارند، اما چنین نیست. گروهی از پژوهشگران مدلی کامپیوتری طراحی کرده‌اند که نشان می‌دهد افراد بسیار موفق آن‌هایی نیستند که بسیار باهوشند، بلکه آن‌هایی هستند که بسیار خوش شانس بوده‌اند.

شامل افراد زیادی می‌شود که هر کدامشان دارای سطح مشخصی از استعداد هستند (مهارت، هوش، توانایی و غیره). این استعداد در بین افراد تقریباً به‌طور برابری توزیع شده و انحرافی استاندارد دارد. پس اینطور است که بعضی افراد از سطح میانگین بااستعدادترند و برخی کمتر، اما هیچ‌کس به‌طور

اغراق آمیزی از دیگران بااستعدادتر نیست. مدل کامپیوتری آقای پلوچینو برای هر فرد زندگی کاری ۴۰ساله‌ای تعریف می‌کند. در طول این بازه، در مواقعی شانس در خانه افراد را می‌زند. اگر آنها به اندازه کافی باهوش باشند، در راه‌رویش بازی می‌کنند و اینگونه می‌توانند ثروتشان را افزایش بدهند. هر چند، افراد دیدباری‌هایی را هم از سر می‌گذرانند و ثروتمندترین‌ها می‌باید. در مجموع این اتفاق‌ها به‌طور تصادفی رخ می‌دهد.

پلوچینو و همکاران این مدل شبیه‌سازی شده را بارها و بارها تکرار می‌کنند تا صحت نتایج مطمئن شوند.

دست آخر، وقتی تیم تحقیق افراد را براساس ثروت رتبه‌بندی می‌کند، توزیع ثروت دقیقاً مشابه پلوچینو است که در جوامع واقعی دیده می‌شود. چیزی است که همکاران می‌گویند: «قانون ۸۰- ۲۰ قانونی معتبر است؛ چرا که ۸۰ درصد جمعیت مالک تنها ۲۰ درصد ثروت کل هستند، و در سمت دیگر، ۲۰ درصد بقیه مالک ۸۰ درصد همان ثروت هستند»

به‌نظر ناعادلانه یا عجیب نخواهد بود اگر ۲۰ درصد ثروتمند همان‌هایی باشند که بیشترین استعداد برای موفقیت دارند، اما چنین نیست. ثروتمندترین افراد معمولاً استعدادترین‌ها یا حتی نزدیک به آنها هم نیستند. محققان ما می‌گویند: «بیشترین حد از موفقیت هیچ‌گاه با بیشترین حد از استعداد مطابقت ندارد و همین‌طور برعکس»

پس اگر استعداد نیست، چه عاملی این توزیع ثروت نابرابر را رقم زده‌است؟ پلوچینو و همکارانش می‌گویند: «مدل شبیه‌سازی شده ما به وضوح نشان داد که این عامل فقط و فقط شانس محض است.» تیم پژوهش نتایج را براساس تعداد شانس‌ها و دیدباری‌هایی رتبه‌بندی می‌کند که افراد در این بازه ۴۰ساله با آن مواجه می‌شوند. آنها می‌گویند: «حالا به‌طور مستند می‌توان گفت که موفق‌ترین افراد، خوش‌شانس‌ترین افراد هم هستند، همچنین، ناموفق‌ترین افراد را می‌توان دیدبارترین افراد به حساب آورد.»

این نتیجه آموزه‌های بااهمیتی را در اختیار جامعه قرار می‌دهد. پس اینطور شد که شانس در موفقیت نقشی دارد. حال باید بر سپید مؤثرترین استراتژی برای بهره‌برداری از آن چیست؟

تیم پژوهش سه مدل را بررسی کردند. در اولی سرمایه تحقیق یکسان میان دانشمندان توزیع شده بود. در دومی سرمایه تصادفی میان مجموعه‌ای از دانشمندان توزیع شده بود و در سومی توزیع به ترتیب میزان موفقیتی بود که دانشمندان در گذشته داشتند. کلامیک بهترین استراتژی به نظر می‌رسد؟ نتیجه چنین بود: استراتژی‌ای که سرمایه را مساوی میان محققان تقسیم می‌کند، بیشترین عایدی را همراه داشت و دومین و سومین استراتژی برتر که پس از آن قرار داشتند، ثروت را به‌طور تصادفی میان ۱۰۰ تا ۲۰۰ دانشمندان توزیع می‌کردند. در این مدل محققان می‌توانستند به خوبی از کشفیات شانس‌ی که گام‌به‌گام به‌دست می‌آمد، استفاده کنند. این موضوع آشکار می‌کند که اگر دانشمندی در گذشته کشف شانس مهمی انجام داده‌است، لزوماً نمی‌تواند در آینده باز هم کشفی از این دست داشته باشد.

همچنین می‌توان رویکرد مشابهی را برای سرمایه‌گذاری در انواعی دیگر از واحدها، اعم از کسب‌وکارهای کوچک و بزرگ، استارت‌آپ‌های فناوری و آموزش به کار گرفت. با این رویکرد قادر خواهیم بود تا استعداد و حتی تعداد وقایع شانس تصادفی را افزایش دهیم.
**منبع: ترجمان / ترجمه: مهدی صادقی تلخیص: سیمین جیت MITTechnology Review**
**مرجع:** مدل پلوچینو و همکارانش ساده است. این مدل توزیع ثروت از الگوی شناخته‌شده‌ای پیروی می‌کند که گاهی آن را قانون ۸۰- ۲۰ می‌گویند؛ یعنی ۲۰ درصد آدم‌ها صاحب ۸۰ درصد ثروت موجود هستند. برای نمونه سال پیش در گزارشی آمده بود، فقط ثروت هشت نفر معادل ثروت ۲۸۸ میلیاردنفر از فقیرترین انسان‌های جهان است. به‌نظر می‌رسد این وضعیت در همه جوامع، با هر ابعادی وجود داشته باشد این الگو که به آن «توزیع توانی» هم گفته می‌شود، الگویی است که به تفصیل بررسی شده و در طیف گسترده‌ای از پدیده‌های اجتماعی می‌توان ردش را پیدا کرد. با این حال، پدیده توزیع ثروت یکی از مناقشه‌برانگیزترین این پدیده‌هاست؛ چراکه پای مسائلی مثل عدالت و شایستگی رایه‌میان می‌کند. چراغ‌اندکی باید به‌طور تصادفی رخ می‌دهد. پلوچینو و همکاران این مدل شبیه‌سازی شده را بارها و بارها تکرار می‌کنند تا صحت نتایج مطمئن شوند. دست آخر، وقتی تیم تحقیق افراد را براساس ثروت رتبه‌بندی می‌کند، توزیع ثروت دقیقاً مشابه پلوچینو است که در جوامع واقعی دیده می‌شود. چیزی است که همکاران می‌گویند: «قانون ۸۰- ۲۰ قانونی معتبر است؛ چرا که ۸۰ درصد جمعیت مالک تنها ۲۰ درصد ثروت کل هستند، و در سمت دیگر، ۲۰ درصد بقیه مالک ۸۰ درصد همان ثروت هستند» به‌نظر ناعادلانه یا عجیب نخواهد بود اگر ۲۰ درصد ثروتمند همان‌هایی باشند که بیشترین استعداد برای موفقیت دارند، اما چنین نیست. ثروتمندترین افراد معمولاً استعدادترین‌ها یا حتی نزدیک به آنها هم نیستند. محققان ما می‌گویند: «بیشترین حد از موفقیت هیچ‌گاه با بیشترین حد از استعداد مطابقت ندارد و همین‌طور برعکس» پس اگر استعداد نیست، چه عاملی این توزیع ثروت نابرابر را رقم زده‌است؟ پلوچینو و همکارانش می‌گویند: «مدل شبیه‌سازی شده ما به وضوح نشان داد که این عامل فقط و فقط شانس محض است.» تیم پژوهش نتایج را براساس تعداد شانس‌ها و دیدباری‌هایی رتبه‌بندی می‌کند که افراد در این بازه ۴۰ساله با آن مواجه می‌شوند. آنها می‌گویند: «حالا به‌طور مستند می‌توان گفت که موفق‌ترین افراد، خوش‌شانس‌ترین افراد هم هستند، همچنین، ناموفق‌ترین افراد را می‌توان دیدبارترین افراد به حساب آورد.» این نتیجه آموزه‌های بااهمیتی برای جامعه دارند و کمک می‌کنند تا بازدهی سرمایه‌گذاری در امور مختلف، از تجارت گرفته تا علم، به حدی بهینه برسد.

مدل پلوچینو و همکارانش ساده است. این مدل توزیع ثروت از الگوی شناخته‌شده‌ای پیروی می‌کند که گاهی آن را قانون ۸۰- ۲۰ می‌گویند؛ یعنی ۲۰ درصد آدم‌ها صاحب ۸۰ درصد ثروت موجود هستند. برای نمونه سال پیش در گزارشی آمده بود، فقط ثروت هشت نفر معادل ثروت ۲۸۸ میلیاردنفر از فقیرترین انسان‌های جهان است. به‌نظر می‌رسد این وضعیت در همه جوامع، با هر ابعادی وجود داشته باشد این الگو که به آن «توزیع توانی» هم گفته می‌شود، الگویی است که به تفصیل بررسی شده و در طیف گسترده‌ای از پدیده‌های اجتماعی می‌توان ردش را پیدا کرد. با این حال، پدیده توزیع ثروت یکی از مناقشه‌برانگیزترین این پدیده‌هاست؛ چراکه پای مسائلی مثل عدالت و شایستگی رایه‌میان می‌کند. چراغ‌اندکی باید به‌طور تصادفی رخ می‌دهد. پلوچینو و همکاران این مدل شبیه‌سازی شده را بارها و بارها تکرار می‌کنند تا صحت نتایج مطمئن شوند.